

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۴ جولای ۲۰۱۲

ایران در هفته که گذشت

تکاپوی مقامات جمهوری اسلامی برای مقابله با تأثیرات تحریم‌ها:

مهم‌ترین مسئله‌ای که در این هفته سران و مقامات جمهوری اسلامی درگیر آن بودند، تحریم نفت و عواقب آن بود. در سطوح مختلف حکومت، اجلاس‌های متعددی پیرامون راه‌های مقابله با آن برگزار شد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام که متشکل از تمام سران و مقامات کنونی و پیشین ارگان‌ها و نهادهای دولتی است، اجلاس اضطراری برای بررسی ابعاد تحریم، عواقب و چگونگی مقابله با آن‌ها تشکیل داد. در این اجلاس که وزرای اقتصادی کابینه نیز حضور داشتند، هر یک گزارشی از اوضاع اقتصادی، گرانی، تأثیر تحریم‌ها و تدابیر دولت برای مقابله با معضلات اقتصادی ارائه دادند.

احمدی‌نژاد در گزارش خود که انتشار علنی نیافت، به تأثیر تحریم‌ها پرداخت و ادعا کرد که یک برنامه یک ساله برای مقابله با تحریم‌ها تنظیم کرده است. اما به نظر نمی‌رسد که با توجه به ادعاهای پیشین وی در مورد مسایل اقتصادی، کسی حرف‌های او را باور کرده باشد. چرا که هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع، اظهار امیدواری کرد وعده‌های داده شده عملی گردد.

محسن رضائی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت، گفت: به اساس گزارش دولت، درآمدهای ارزی در طول ۶ ماه اخیر کاهش یافته، نقل و انتقال ارز از بانک به بانک دیگر با مشکل مواجه شده و اخیراً کشتی‌هایی را که برای ایران جنس می‌آورند، تحریم کرده‌اند.

پس از این اجلاس، سران قوای مجریه، مقننه و قضائی جلسه دیگری بر سر همین مسایل تشکیل دادند. رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد نیز در مراسم اعلام رسمی گزارش جهانی سرمایه‌گذاری خارجی و جمهوری اسلامی، استانداران و سفرای جمهوری اسلامی را تشویق کرد که برای جلب سرمایه‌های خارجی تلاش کنند. وی گفت: امروز آن‌ها بدترین تحریم‌ها را انجام می‌دهند. تحریم‌ها یک جنگ ناجوانمردانه و ظالمانه است. آن‌ها به هواپیماهای ما سوخت نمی‌دهند و می‌گویند ایران به دنبال ساخت بمب هسته‌ای است. کشورهای غربی به سرمایه‌گذاران می‌گویند، به ایران نروید، وضع خراب است. با این حال در ایران در خیابان‌ها به راحتی تردد می‌کنند. وی ایران را

ابر قدرت نامید و افزود: اما دشمنان بدانند که اگر برای ما مشکل ایجاد کرده‌اند، ما نیز برای آن‌ها همین کار را خواهیم کرد. معهذا گفت: ”ممکن است بگوئید چگونه است که قیمت مرغ در ایران گران است و فلان کس بیکار است، با این حال ما چگونه ابر قدرت هستیم، این مباحث جدا از موضوعاتیست که من به دنبال طرح آن هستم.“

معاون احمدی‌نژاد طفره می‌رود، گویا فقط ”قیمت مرغ در ایران گران است و فلان کس بیکار است.“ اقتصاد از هم گسیخته است، قیمت کالاها لحظه به لحظه افزایش می‌یابد. نرخ تورم از ۵۰ درصد بالاتر است. میلیون‌ها تن از مردم ایران بیکارند. ابر قدرتی که نان روزمره مردم را نتواند تأمین کند، بیش از آن پوشالی است که بتواند آن را پنهان سازد. اوضاع به قدری وخیم است که مجلس خبرگان رژیم هم که وظیفه‌ای جز این ندارد، هر چند ماه یکبار جلسه تشکیل دهد و از خامنه‌ای تعریف و تمجید کند، اکنون جلسهای متشکل از هیأت رئیسه و رؤسای کمیسیون‌ها تشکیل داده است تا آن‌ها نیز راه حل خود را ارائه دهند. معاون اول قضائیه که عضو هیأت رئیسه این مجلس است، گفت: ”امروز باید قناعت، عدم اسراف و توجه به تولید ملی مورد تأکید قرار بگیرد.“

اکثریت بزرگ مردم ایران زیر خط فقر به سر می‌برند. میلیون‌ها نفر از مردم ایران گرسنه‌اند و حتا قادر به تأمین نان خشک و خالی نیستند، مرتجعین مجلس خبرگان، مردم را دعوت به ”قناعت“ و ”عدم اسراف“ می‌کنند.

بالاخره نوبت به خامنه‌ای رسید که چون خودش در رفاه زندگی می‌کند و فقر، فلاکت، گرسنگی و بدبختی توده‌های مردم ایران برای وی اهمیتی ندارد، یاوه‌گوئی را به کمال رساند و گفت: مردم ایران در برابر تحریم‌ها واکسینه شده‌اند. یعنی چه واکسینه شده‌اند؟ یعنی این که تأثیری بر شرایط زندگی آن‌ها ندارد. او که البته هر سال فقط تحت عناوین مختلف مذهبی ده‌ها و صدها میلیون تومان از سرمایه‌داران و ثروتمندان دریافت می‌کند، برایش بی تفاوت است که بهای یک عدد نان ۱۰۰ تومان باشد یا ۸۰۰ تومان، بهای یک کیلو مرغ ۲ هزار تومان باشد یا ۸ هزار تومان.

او هم مثل اعضای مجلس خبرگانش فکر می‌کند، که هر یک از ده منبع، حقوق و مزایا دریافت می‌کنند، مفت می‌خورند و می‌گردند، اما نوبت که به توده‌های مردم می‌رسد، آن‌ها را به ”قناعت“ دعوت می‌نمایند.

اما در مورد برنامه‌ها و تدابیر دولت و ارگان‌های رنگارنگی که وعده بهبود اوضاع را می‌دهند، باید گفت، آن‌ها تا وقتی که هنوز تحریم‌های جدید به مرحله اجراء درنیامده بود، نتوانستند کاری از پیش ببرند و لااقل اوضاع اقتصادی را بهبود بخشند، بالعکس تمام برنامه‌ها، سیاست‌ها و تدابیر آن‌ها نتیجه وخیم‌تری به بار آورد و وضعیت کارگران و زحمتکشان ایران را فاجعه‌بارتر ساخت. مگر وعده نمی‌دادند که هدفمندسازی یارانه‌ها منجر به بهبود اوضاع اقتصادی و رفاه همگانی خواهد شد؟ مگر ادعای برافتان فقر، بیکاری و گرانی را نداشتند؟ حالا هر کس می‌بیند که روز به روز در همه زمینه‌ها اوضاع اسفبارتر شده است. با این اوصاف، حالا که تحریم‌های نفتی و بانکی نیز مزید بر علت شده است، چگونه باز هم از تدابیر و سیاست‌های مقابله سخن می‌گویند؟

جمهوری اسلامی هیچ برنامه و سیاستی برای بهبود اوضاع نداشته و نخواهد داشت. مانع اصلی در این میان خود جمهوری اسلامی است که نفس موجودیتش بازتولید تمام بحران‌ها و فجایعی است که در ایران به بار آمده است.

تجربیات سال‌های گذشته و اخیر نشان داده است که جمهوری اسلامی جز وخیم کردن اوضاع رسالتی نداشته و ندارد. تا وقتی که این رژیم بر سر کار باشد، انتظار هیچ بهبودی را در وضعیت زندگی توده‌های زحمتکش مردم ایران نمی‌توان داشت. فقط این می‌ماند که توده‌های مردم ایران برای نجات خود، به نبردی سرنوشت‌ساز برخیزند.

روضة خوانی خامنه‌ای و نگاه قرون وسطائی اسلام به زن

جمهوری اسلامی که در مناسبات بین‌المللی خود حتا در میان دولت‌های مذهبی و اسلام‌گرای منطقه خاورمیانه ایزوله و منفرد است و تحولات سیاسی کشورهای شمال آفریقا هم که به قدرت‌گیری اسلام‌گرایان اخوان المسلمین انجامید، تغییری در این افراد پدید نیاورد، می‌کوشد به ضرب سیلی صورت خود را سرخ نگه دارد. پی در پی از افراد و گروه‌های طرفدار خود در کشورهای دیگر دعوت می‌کند که در اجلاس‌هایی که پیرامون اسلام‌گرایی سازمان می‌دهد، شرکت کنند تا خوراک برای دستگاه تبلیغاتی خود تهیه نماید.

در هفته‌ای که گذشت، اجلاس جدیدی به نام ”اجلاس بین‌المللی زنان و بیداری اسلامی“ در تهران برپا گردید. صد‌ها میلیون تومان حاصل دسترنج کارگران ایران صرف برگزاری اجلاسی گردید که خامنه‌ای یک ساعت برای مستمعین روضه‌خوانی کند.

خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی گزارش کردند که ”در دیدار بیش از هزار نفر از زنان نخبه، فرهیخته و مجاهد دنیای اسلام، ایشان، اجتماع زنان فرهیخته و مسلمان ۸۵ کشور جهان را در اجلاس بین‌المللی زنان و بیداری اسلامی، فرصتی بسیار مهم برای شناخت بیش‌تر زنان دنیای اسلام از یکدیگر دانستند و افزودند: آشنائی و تعامل ایجاد شده در این اجلاس را مقدمه‌ای برای حرکتی مؤثر و ماندگار در روند احیای هویت و شخصیت زنان مسلمان قرار دهید.“

به لیست این زنان فرهیخته و نخبه که نظری افکنده شود، عمدتاً عبارتند از افرادی نظیر فعال سیاسی و مذهبی در یمن، فعال فرهنگی و رسانه‌ای در عراق، مادر علی‌شیر، نوجوان ۱۴ ساله بحرینی، فرزند عباس موسوی از لبنان، بقیه هم از همین قماش و چند تائی هم در میان آن‌ها عضو هیأت علمی دانشگاه بود که از روسری‌هایی که به سر کرده بودند، معلوم بود اولین بار است که روسری پوشیده‌اند و احتمالاً با دریافت مبلغی از جمهوری اسلامی و چند روزی گردش در ایران، در این اجلاس شرکت کرده‌اند.

خامنه‌ای در سخنرانی خود گفت، نگاه غرب به زن، نگاهی اهانت‌آمیز است، اما اسلام به زن نگاهی عزت‌بخش، کرامت‌آفرین و رشد دهنده دارد و برای زن هویت و شخصیت مستقل قائل است.

خامنه‌ای اما از ذکر مصادیق مشخص این نگاه ”عزت‌بخش، کرامت‌آفرین و رشد دهنده“ چیزی نگفت، چون می‌ترسید در همان اجلاس دروغ‌هایش برملا گردند. او البته می‌توانست بگوید: از همین روست که زن در ایران اسلامی حتا از حقوق برابر با مرد برخوردار نیست. زن در مقایسه با مرد، نیمه انسان است. به همین علت ضعیفه است. به عنوان یک انسان نمی‌تواند در دادگاه‌ها شهادت دهد. به طریق اولی نمی‌تواند در مسند قضاوت قرار گیرد. به طریق اولی‌تر نمی‌تواند به مقامات عالی سیاسی دست یابد. این‌ها همه از مصادیق نگاه عزت‌بخش، کرامت‌آفرین و رشد دهنده اسلام و حکومت اسلامی برای زن و هویت و شخصیت مستقل قائل شدن برای زن، ناشی می‌گردند. دیگر نیازی نیست که به صدها نمونه دیگر آن اشاره کرد. فقط این نکته را هم باید افزود که وحشی‌گری پولیس علیه زنان در معابر عمومی، سرکوب، توهین و تحقیر آن‌ها نیز مکمل همین نگاه عزت‌بخش و کرامت‌آفرینی است که خامنه‌ای به آن می‌پردازد.

خامنه‌ای اما بالاخره نتوانست دیدگاه واقعی خود و اسلام را در مورد نقشی که برای زن قائل‌اند، پنهان سازد؛ معهدا باز هم جرأت نکرد حرف خود را صریح بزند. او گفت: ”زن و مرد هر کدام به اساس خصوصیات جسمانی خود، در ادامه آفرینش، رشد و تعالی انسان و حرکت تاریخ نقش خاصی به عهده دارند که در این میان نقش زن تداوم بخشیدن به نسل انسان، از نقش مردم مهم‌تر است. ضوابط اسلام درباره خانواده و محدودیت‌های روابط جنسی را باید از این دید، مطالعه کرد.“

بله! نقش زن از مرد مهمتر است، اما بر این قیاس که از صحن خانه تا به لب بام از آن مرد، از بام خانه تا به ثریا از آن زن. به زبان صریح و روشن، وظیفه زن بچه آوردن، خانه‌داری، تبعیت از مرد، یعنی تمام آن چیزی است که جمهوری اسلامی به آن باور دارد و تا جایی که توانسته است آن را عملی کرده است. اگر محدودیتی هم برای روابط جنسی از دیدگاه این اسلام وجود دارد، این به خاطر نقش تاریخی و اهمیتی است که اسلام برای زن قائل است. والا چون مرد، نقش تاریخی دیگری دارد، از این محدودیت‌ها آزاد است و می‌تواند چندین زن رسمی و غیر رسمی داشته باشد. زن باید تمام فشار کار خانه را بر عهده گیرد و وسایل رفاه مرد را فراهم آورد، چون خصوصیات جسمانی دیگری دارد و ”در حرکت تاریخ نقش خاصی بر عهده“ دارد.

روضة‌خوانی خامنه‌ای جز یک مشت اراجیف قرون وسطایی علیه زنان چیز دیگری نبود. این حرف‌ها شاید در میان ناآگاه‌ترین و قشری‌ترین زنان انعکاسی داشته باشد، اما هر زنی با کمی آگاهی می‌داند که دیدگاه اسلام نسبت به زن، دیدگاه عصر جاهلیت و قرون وسطایی است. زنان در جهان کنونی خواهان برافتادن تمام قوانین و مقررات زمینی و آسمانی هستند که برابری زن و مرد را نفی می‌کنند.

جمهوری اسلامی نه فقط نتوانست خرافات اسلامی خود را در مورد زنان به میلیون‌ها زنی که در دوران استقرار این رژیم در ایران متولد شده و پرورش یافتند، بباوراند و پس از ۳۳ سال همین حالا گله‌های پولیس را به مقابله با زنان به خیابان‌ها ریخته است، بلکه حتا گروهی از زنان که زمانی حزب‌اللهی‌های رژیم بودند، همین که کمی آگاه شدند، به نگاه قرون وسطایی اسلام به زن پشت کردند. دیدگاه خامنه‌ای‌ها دیگر حتا در میان زنان عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان که مردم باورهای دینی اسلامی دارند، خریداری ندارد.

اولین گام هر ”نگاه عزت‌بخش و کرامت‌آفرین“ نسبت به زنان و قائل شدن ”هویت و شخصیت مستقل“ برای زن، برابری کامل و بی قید و شرط حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد و برافتادن هر گونه تبعیض نسبت به زنان است. این نگاه مطلقاً در اسلام و دولت دینی وجود ندارد.

نزاعی جدید، افزوده‌ای بر نزاع‌های موجود

رژیمی که با بحران و بن‌بست روبه روست، در درون خود نیز پیوسته درگیر اختلاف، نزاع و بحران می‌شود. تمام تلاش‌های جمهوری اسلامی در دوره زمامداری احمدی‌نژاد، برای غلبه بر این نزاع‌ها و بحران‌های درونی به شکست انجامیده است. حتا در مواردی که طرفین نزاع کوشیده‌اند به خاطر منافع مشترکشان این اختلافات را کاهش دهند و یا موقتاً هم که شده بر آن‌ها سرپوش بگذارند، اختلاف و نزاع از جای دیگر سر برآورده است.

وضعیت فوق‌العاده بحرانی و وخیم جمهوری اسلامی و توصیه‌های مکرر خامنه‌ای به سران سه قوه برای کنار آمدن با یک دیگر، ظاهراً از دامنه حملات و درگیری‌های علنی آن‌ها کاسته و در همین رابطه، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، فشار بر قوه اجرائی را کاهش داده و حتا پرونده‌های برخی از مقامات این ارگان را متوقف ساخته است. اما قوه قضائیه در همین حال، فشار به گروه‌های مخالف احمدی‌نژاد، به ویژه در مجلس را برای به سکوت واداشتن آن‌ها افزایش داده است.

در همین راستا، دادستان جمهوری اسلامی برای یکی از این نمایندگان مجلس ارتجاع به نام مطهری، به اتهام توهین به رئیس جمهوری، اعلام جرم کرده، پرونده‌ای هم تشکیل داده و سایت الف وابسته به توکلی، یکی دیگر از رقبای احمدی‌نژاد را فیلتر کرده است. همین اقدامات کافی بود تا نزاع دیگری به نزاع‌های درونی جمهوری اسلامی افزوده

شود و گروه‌هایی از هیأت حاکمه و وابستگان آن‌ها به مقابله با قوه قضائیه رژیم برخیزند. این نزاع اکنون تا به آن مرحله پیش رفته که بسیجیان و حزب‌اللهی‌های دانشگاه‌ها نیز وارد معرکه شده‌اند.

نام‌پراکنی‌های طرفین در حال افزایش است و در اینترنت علنی می‌شوند. مطهری در یک گفت و گو با خبرگزاری فارس و از طریق یک نامه رسمی، دادستان جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داده و به او گفته است که تو اصلاً حق ورود به مسایل مورد اختلاف مجلسیان و هیأت دولت را نداری و برو به پرونده کهریزک و محفل دور و بر احمدی‌نژاد رسیدگی کن.

او در گفت و گو با خبرگزاری فارس گفت: اساساً دادستان حق ورود به نطق نمایندگان را ندارد و نباید چماقی به نام دادستان بالای سر او باشد. ظاهراً آقای دادستان تحت فشار دولت این حرف را زده، بهتر است ایشان به جای این جور کارها تکلیف پرونده افرادی مانند آقایان مرتضوی، رحیمی و جواد لاریجانی را مشخص کند.

او در نامه خود نیز در پاسخ به نامه دادستان می‌نویسد: اقدام دادستانی در واقع جرم‌تراشی و محدود کردن آزادی بیان و دفاع از ابتدال فرهنگی است. دادستان جمهوری اسلامی هم متقابلاً وی را مجرم خطاب کرده و اعلام نموده که حق ورود به این مسایل را داشته و پرونده را پیگیری خواهد کرد. علاوه بر این آنچه را که در نامه خود پیرامون چماق دادستانی گفته، آن هم از مصادیق عناوین مجرمانه است و بر آن افزوده خواهد شد. حالا نوبت بسیج و حزب‌الله رسیده بود که رأساً وارد نزاع شوند و دستگاه قضائی رژیم را مورد حمله قرار دهند.

گروه‌های بسیجی دانشگاه‌ها با صدور بیانیه‌ای که امضای ۱۶ انجمن اسلامی هم زیر آن آمده است، دستگاه قضائیه را تهدید کرده که به این اقدامات پایان بخشد و پرونده طرفداران احمدی‌نژاد را به جریان اندازد. با انتشار این بیانیه حزب‌اللهی‌ها و بسیجیان دانشگاه‌ها، مسأله از نزاع توکلی و مطهری با قوه قضائیه و دادستانی جمهوری اسلامی فراتر رفته و لشکرکشی طرفین علیه یکدیگر آغاز شده است. از آنجائی که اکنون بخشی از نیروی شبه نظامی رژیم به طرفداری از برخی باندهای درونی رژیم در مجلس برخاسته‌اند، برای دستگاه قضائی جمهوری اسلامی راه دیگری باقی نمی‌ماند جز این که عقب‌نشینی کند یا وارد درگیری و نزاع طولانی مدتی با گروه‌هایی در مجلس و طرفداران آن‌ها در نیروهای مسلح رژیم گردد. بعید است که این ماجرا بی سر و صدا خاتمه یابد. نزاعی دیگر بر نزاع‌های درونی جمهوری اسلامی افزوده شده است.